



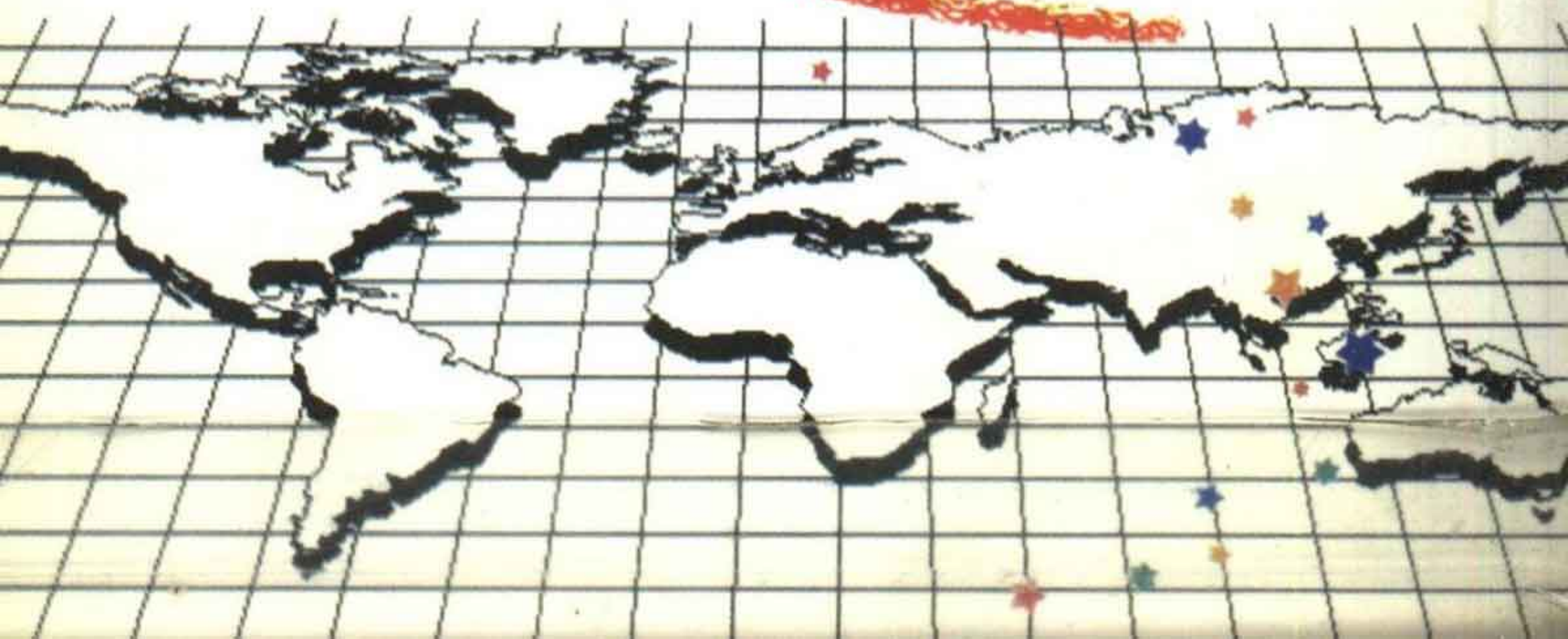
جمعیت هلال احمر
استان قم

سحر

مجموعه سفرانی

در انتظار
همایش
صلح جهانی

قم ۲۰ مهرماه ۱۳۸۲
۱۵ شعبان ۱۴۲۴



سفر

جمعیت هلال احمر استان قم



- عنوان کتاب : سحر
- مؤلف: جمعیت ہلال احمر استان قم
- تہیہ و تنظیم: علی حاجی رضا
- ناشر: انتشارات مہر امیر المؤمنین (ع)
- طراحی جلد: کانون آگہی و تبلیغاتی سحر ۰۲۵۱/۷۷۳۶۱۶۵
- نوبت چاپ: پائیز - **چاپ اول**
- تیراژ: ۳۰۰۰ نسخہ / قطع: پالتوی / تعداد صفحہ: ۷۲ صفحہ
- شابک: ۰ - ۲۳ - ۸۱۷۳ - ۹۶۴



مقدمه

به نام هستی بخش یکتا
آغاز سخن را با نام او زینت می‌بخشم و در تداوم
راه نیز از او استعانت می‌جویم.
سلام و درود بر پیامبر گرامی اسلام و دودمان
پاکش، اولیای خدا و ائمه هدی.
سلام و درود خاص بر حجت خدا، امام زمان،
حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، برپا
کننده حکومت عدل و قسط در سرتاسر گیتی و مصلح کل.
السّلام علیک یا اباصالح

السلام عليك حين تسلى تقند

السلام عليك حين ترکه و تسجد

السلام عليك بجوامع السلام

خدا را سپاس می‌گویم که به ما توفیق داد که به

بهانه برگزاری همایشی با عنوان در انتظار صلح جهانی،

محفلی را با حضور جوانان سراسر کشور در شهر مقدس

قم، آشیانه دودمان پیامبر، پناهگاه پیروانشان و خانه

کریمه اهل بیت، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام، برپا

کنیم، تا ذکر و یاد امام عصرمان و مفهوم واقعی انتظارش

را در اذهان جوانان و شیفتگان، زنده و روشن نماییم.

یکی از اهداف مهم جمعیت هلال احمر در

راستای اصول هفتگانه صلیب سرخ و هلال احمر،

کوشش در جهت برقراری دوستی و تفاهم متقابل و

صلح پایدار میان ملت‌ها می‌باشد. ما اعتقاد داریم که

اصل انتظار فرج و ظهور مصلح که از اصول مهم

اعتقادی شیعیان و سایر مذاهب و ادیان الهی است، با

این هدف مهم مطابقت دارد. به دیگر سخن، کسی را

باید منتظر واقعی دانست که جهت فراهم نمودن زمینه

ظهور مصلح کل تلاشی در حد توانایی خود انجام دهد، تا دشمنی‌ها تبدیل به دوستی و جنگ‌ها و خونریزی‌ها تبدیل به صلح شوند.

لذا بر آن شدیم تا این همایش را به منظور تبیین فرهنگ انتظار و ارتباط آن با اهداف هلال احمر به صورت فراخوان مقاله و همچنین مسابقه کتابخوانی به مناسبت نیمه شعبان در قم برگزار نماییم.

طرح اولیه پس از پرورش به صورت طرحی جامع با عنوان «در انتظار صلح جهانی» حضور رییس محترم جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی جناب آقای دکتر نوربالا و همچنین رییس محترم سازمان جوانان هلال احمر جناب آقای دکتر قوسیان مقدم ارایه گردید، که مورد تصویب و استقبال قرار گرفت.

در این همایش، استقبال جوانان سراسر کشور چشمگیر بود که جای بسی تقدیر و تشکر دارد. در این رابطه ۹۸ مقاله از نقاط مختلف کشور به دبیرخانه همایش رسید. آنچه در آثار این جوانان دیندار و با خرد خواندیم و دیدیم، طراوت کلماتی بود که ما را به سوی

اقیانوس با عظمت معنویت، وجود مقدس حضرت
بقیه الله الاعظم می‌کشاند و صمیمانه مفاهیم انتظار،
قسط، عدل و صلح را جستجو می‌کند. ما معتقدیم روح
و روان پاکی که خداوند به چنین جوانان با شور و
نشاطی ارزانی نموده است، که پذیرش کامل تری نسبت
به خوبی‌ها و تجلیات حقیقت از دیگران دارند و بذر
دینداری و صفات نیکو، بهتر و آسان‌تر بر جانشان
می‌نشیند، بارور می‌شود و ثمر می‌دهد و دل‌هایشان
جایگاه صفا و صمیمیت با زمینه‌های اعتقادی به امور
دینی، به ویژه زمینه‌های انتظار حضرت ولی عصر
(عج) است و کمتر غبار سیاه غفلت بر قلب‌هایشان اثر
دارد، و چه بستری بهتر از دل‌های پاک جوانان مؤمن و
شایسته ایرانی است که از گذشته‌های دور تاکنون از
منادیان دوستی و صلح بوده و هستند.

سخنان گهر بار جناب آقای دکتر نوربالا، رئیس
محترم جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی و
همچنین جناب حجت الاسلام و المسلمین حسینی
بوشهری، مدیریت محترم حوزه علمیه قم، فضای این

محفل باشکوه را عطرآگین نمود، که این سخنان مورد استقبال جوانان و مدعوین قرار گرفت. عنایت مولایمان حضرت صاحب الامر امام زمان (عج)، به این مجلس روحانی باعث شد که تمامی برنامه‌ها با نظم و شکوه خاص و با کیفیت عالی برگزار گردد؛ به طوری که مدیر محترم حوزه علمیه قم نیز پس از همایش ضمن تصدیق این امر، کیفیت و جذابیت بیانات خود را مرهون نظر و عنایت حضرت ولی عصر (عج) دانستند و عنوان نمودند که بالا بودن معنویت مجلس و عنایت آقا امام زمان (عج) باعث گردید که بهترین سخنرانی خود را برای جوانان عضو هلال احمر ارایه نمایند.

ما در این مجموعه علاوه بر تدوین و ارایه بیانات جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای حسینی بوشهری و همچنین جناب آقای دکتر نوربالا، که در همایش فوق ایراد گردید، متن سخنان رئیس محترم جمعیت هلال احمر را که در سال گذشته ایراد گردیده نیز، با توجه به سنخیت موضوع آن با موضوع همایش، جهت کامل تر شدن این مجموعه به کتاب حاضر

افزوده‌ایم.

در این جا جا دارد که از تمامی عزیزانی که ما را در برگزاری هر چه با شکوه‌تر همایش و همچنین تدوین این مجموعه یاری نمودند، تشکر و قدردانی نماییم. برخود واجب می‌دانم از جناب آقای دکتر نوربالا که با توجه به بیماری جسمی و استراحت پزشکی مطلق ایشان، با حضور خود باعث پربار شدن محفل همایش شدند، تشکر و قدردانی نموده و از هدایت‌ها و حمایت‌های معنوی ایشان که باعث بهتر برگزار شدن همایش با شکوه شد، سپاسگزاری نمایم و از محضر حضرت ولی عصر (عج) آن مقام والای امامت درخواست صحت و سلامت و توفیق بیشتر برای ریاست محترم جمعیت را دارم.

در پایان، از خداوند منان می‌خواهم که در روزگار غربت، دوری و انتظار، لذت شیرینی وزیدن نسیم روح افزای عدل و قسط و صلح و برابری را به ما بچشاند و وجود ما را از آن سرشار کند و دل‌هایمان را به چنین یقینی گواهی دهد که در جهانی بدون جنگ، خشونت و

نفرت زندگی کنیم؛ جهانی که در آن دولت کریمه اسلام،
عزیز و گرامی داشته شود.

اللّٰهُمَّ اِنَّا نَرْغِبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ تَعَزَّيْهَا الْاِسْلَامُ وَ اَهْلُهُ

والسلام عليكم ورحمة الله

دکتر محمد گل فشان

مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان قم



سخنرانی
آقای دکتر نوربالا رییس جمعیت هلال احمر
در همایش
«در انتظار صلح جهانی»

تحت عنوان:

آینده نگران غیبی

قم - ۱۳۸۲/۷/۱۹

با حمد و سپاس به درگاه ایزدمنان به خاطر توفیق
برای حضور در این همایش علمی و باتشکر و امتنان از
یکایک عزیزان شرکت کننده و دوستان و همکاران
برگزارکننده این همایش، به خصوص عزیزان ما در
جمعیت هلال احمر استان قم و به ویژه جناب آقای
دکتر گل فشان، مدیر عامل جمعیت هلال احمر استان

قم، که با ابتکار ایشان این همایش به بار نشسته است. من هم در جمع شما جوانان عزیز صلح دوست، فرارسیدن میلاد مسعود حضرت بقیة اللّٰه (عج) را خدمت همه صلح جویان عالم، مسلمانان و شیعیان و حضار گرامی تبریک عرض می‌کنم. مطلبی را که تدارک دیده‌ام تا در این جمع و محفل خدمت شما ارایه کنم، تحت عنوان «آینده نگری غیبی» است.

اصولاً پیش بینی آینده، هدف مطلوب و آرزوی همیشگی آدمیان بوده است و این هم دلیل دارد، زیرا هر انسانی مایل است که ببیند آینده به کدام سو می‌رود، جهت موفقیت و هدایت کدام طرف است، جهت شکست و هلاکت کدام طرف است، تا خودش را هماهنگ با آن تطبیق بدهد. البته عجول بودن انسان سبب می‌شود تا این ولع آینده نگری را بیشتر داشته باشد.

شاید شماها برایتان اتفاق افتاده که وقتی یک کتاب داستانی را مطالعه می‌کنید، مرتباً منتظر هستید تا بدانید عاقبت این داستان چه می‌شود. یا وقتی که یک

سریال تلویزیونی را نگاه می‌کنید، مضطرب هستید که آینده این سریال چه خواهد شد و همین ولع باعث شده است تا خیلی از اوقات به علت عطش نسبت به آینده، انسان به افرادی که فال گو هستند و یا کسان دیگری که چه بسا خیلی هم براساس حقیقت اظهار نظر نکنند و به تعبیری کلاش هم باشند، روی بیاورد.

همین عطش و احساس نیاز به پیش بینی آینده سبب شد که در دهه ۱۹۲۰ میلادی در جهان مکتبی به وجود بیاید به نام «آینده‌گرایی یا فیوچریسم» (Futurism) که آن مکتب هدفش این بود که با توجه به تکنیک ماشینی و فناوری جدید که در عرصه جهانی به منصفه ظهور رسیده بود، بیایند و آینده را پیش بینی کنند و بر همین اساس هم کتاب‌ها نوشته و فیلم‌ها تهیه شد و کم و بیش هم در جهان توسعه یافته و حتی در جهان تخیلی کودکان، چه به صورت فیلم و کارتون و غیره مورد نمایش قرار می‌دهند، اما آن چیزی که امروز به اسم آینده نگری وجود دارد، در حقیقت از سه پایگاه برخوردار است.

الف) مکتب آینده نگری با نگرش حسی

این مکتب با استفاده از داده‌ها و شنیده‌ها، آینده را پیش بینی می‌کند و یا به عبارت دیگر، با بهره‌مندی از دیده‌ها و شنیده‌ها و با استفاده از حواس پنج‌گانه و ادراکات، آینده را پیش بینی می‌کند. برای مثال، با دیدن یک منطقه سبز، جنگل‌ها و وجود فضای سبز را، و با دیدن آب در یک منطقه نسبتاً دور، عامل زندگی و خرمی را پیش بینی می‌نماید و یا با مشاهده توده تراکم ابرهای مختلف وضعیت جوی را پیش بینی می‌کند و مقوله‌هایی از این قبیل که گاهی اوقات فقط از چشم غیر مسلح استفاده می‌نمایند و گاهی اوقات با استفاده از ابزار پیشرفته دیگر مثل دوربین‌ها و حتی ماهواره‌ها، مثلاً پیش بینی می‌کنند این منطقه، منطقه‌ای است که غنی و سرشار از معادن است، این جا منطقه نفت خیز است و یا منطقه خوش آب و هوا و یا بد آب و هوا است. برای مکتب آینده نگری با نگرش حسی، همه صاحب نظران از جمله کسانی که معتقد به این مکتب هستند، سه عیب بیان می‌کنند.

اولین عیب این نگرش آن است که می‌گویند این مکتب نزدیک بین است، قدرت دید ما و قدرت درک ما نسبت به شرایط محیطی حتی با استفاده از ابزارهای کمکی محدود می‌باشد. بنابراین، این دید، دید نزدیک بین است.

دومین اشکالی که بر این مکتب وارد می‌باشد، این است که در آن **خطای حسی** وجود دارد. امروزه به عنوان یک مقوله کاملاً پذیرفته شده علمی است که ما خطای حسی داریم، حالا اشکال مختلف خطای حسی وجود دارد. مثل همین مقوله سراب و یا خطوط هندسی را که در اشکالی، ما ممکن است با زاویه مختلف نگاه کنیم و متفاوت ببینیم.

سومین اشکال این است که این آینده نگری حسی، خطاپذیر است، به علت این که تأثیرپذیراز هیجان است. شما اگر چنانچه از نظر روانی در شرایط خوبی باشید، به خصوص شرایط دور را، یک طور ارزیابی می‌کنید و اگر در شرایط غمگینی و در یک حالت ناراحتی و ناامیدی باشید، حتماً متفاوت

خواهید دید. همین وضعیت وقتی می‌خواهید مثلاً یک چیزی را در آسمان ببینید، این لکه‌های ابر را که نگاه می‌کنید، کاملاً تحت تأثیر هیجانات شما است. همین وضعیت در زمانی که شما می‌خواهید هلال ماه شوال را ببینید، چون همه هیجانات به طرف دیدن هلال ماه با شرایط خاص است، خیلی‌ها احساس این دیدن را می‌کنند. بنابر این، این مقوله‌ها را در مورد آینده نگری حسی به عنوان اشکال مطرح می‌کنند.

اما به هر حال در مورد آینده سیاسی، این مکتب معتقد است که آینده از آن کسانی است که منابع غنی در اختیارشان است. به عبارت دیگر، ثروت در اختیارشان است و به دنبال ثروت، قدرت هم وجود دارد و بر همین اساس، معتقد هستند که کشورهای نفت خیز و کشورهای غنی از نظر سرمایه‌های کانی و معدنی و همچنین کشورهایی که دارای تسلیحات ممتاز و قدرت برتر هستند، آینده از آن‌ها است. دیده‌اید بسیاری از همشهریان و هموطنان ما بی‌محابا سرمایه‌هایشان را می‌برند در همین کشورهای همسایه و

نفت خیز، سرمایه گذاری می کنند که بر اساس همین دید آینده نگری حسبی است.

بالا و پایین رفتن قیمت نفت بر اساس همین پیش بینی حسبی است. یک داده ای را گرفته اند، یک دیده ای را، یک شنیده ای را، یک صحبتی را، در یک کنفرانس و یا یک اتفاق در جایی افتاده و آن ها این تغییرات را بالا و پایین انجام می دهند و این قدرت دید امروز، باعث بالا و پایین رفتن قیمت نفت می شود. برای این که این بالا و پایین رفتن ها مرتبط با برداشتی است که با توجه به شرایط آن ها دارند.

همین ها کسانی بودند که مکرراً در مورد انقلاب اسلامی پیش بینی هایی داشتند که بر اساس این دید، تا فلان مدت، باید فاتحه نظام خوانده می شد و حتی این اواخر می گفتند ۱۸ تیر کار نظام اسلامی تمام است.

این ها آینده نگری های حسبی است که عمدتاً با فاصله کوتاهی می توانند ارزیابی کنند، ولی به هر حال این ها معتقدند که این آینده جهان برای ثروتمندان است. البته خود معتقدند که این قدرتمندان مجالی

برای نفس کشیدن ضعفا نمی گذارند. ثروتمندان، ضعفا را فقیرتر می کنند و آنها را به گوشه می رانند. بنابر این پیش بینی آنها این است که گرچه آینده از آن ثروتمندان و قدرتمندان است، ولی توأم با بی عدالتی است و بنابراین همیشه هاله‌ای از یأس و ناامیدی برای آینده پیش بینی می نمایند ولو این که آینده و هدایت را در زیر چتر حمایت قدرتمندان و ثروتمندان ارزیابی می کنند.

ب) آینده‌نگری بانگوش عقلی

در مقابل آینده‌نگری حسی، آینده‌نگری عقلی است که با استفاده از ابزار استدلال، محاسبه، عقل، خرد، منطق و سایر مقوله‌ها آینده را پیش بینی می کند. در حقیقت، دامنه وسیع‌تری را می بیند. معمولاً کانون‌های استراتژیک و مطالعات استراتژیک هر کشوری چنین آینده‌ای را بررسی و پیش بینی می کنند و غالباً دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و علمی ارزیابی نسبت به این قضایا را پی‌گیری می نمایند و به طور کلی تئوریسین‌ها هستند که در این زمینه داد سخن می دهند

و حرف می زنند.

این‌ها معتقد بودند با به میدان آمدن مارکس و مارکسیسم، چون مارکس آلمانی بود، مکتب او اول در آلمان فراگیر می‌شود و بعد بسیاری از کشورهای اروپایی، سپس امریکا و بعد دیگر کشورها و جزء آخرین کشورها، روسیه مارکسیسم می‌شود، اما در عمل خلاف آن پیش‌بینی تحقق پیدا کرد. یا این آینده‌نگری عقلی، معتقد بودند که ایران قبل از انقلاب جزیره امنی است که اولاً، مسلمانانش با عرب‌ها همخوانی ندارند، ثانیاً به علت این که شیعیان در کل جهان اسلام در اقلیت هستند، با دیگر مسلمانان رابطه ندارند، بلکه همخوانی بیشتری با غرب دارند. بخشی از این تحلیل‌ها موجب شده بود که تمام سرمایه‌گذاری فکری و علمی و تسلیحاتی را روی این جا انجام دهند؛ غافل از این که این تحلیل ممکن است غلط از آب در آید.

الان هم همین اشتباه را در مورد بعضی از کشورها مانند ترکیه، عراق و افغانستان می‌کنند.

این نگرش که نگرشی عقلانی است و با استفاده از

محاسبه و عقل و منطق و استدلال و فناوری جدید ارزیابی می‌کند، افق دورتری را نسبت به گروه حسی پیش بینی می‌نماید. اما در هر حال این هم اشکالاتی را دارد.

اگر بخواهیم به اشکالات آن اشاره کوتاهی داشته باشیم، این است که باید بگوییم این آینده‌نگری با نگرش عقلی اولاً، **دوربین نیست**. گروه حسی نزدیک بین بود، ولی این را می‌گوییم دوربین نیست. یک مقدار دورتر از حسی می‌بیند، ولی در آن محدوده‌ای که عقل آدمی اقتضا می‌کند.

دومین اشکال بر این نگرش این است که خارج از نظم عادی را نمی‌تواند پیش بینی کند؛ به عبارتی **نظم گراست**. این نگرش همه پیش‌بینی‌ها را براساس نظم معمول پیش‌بینی می‌کند. برای مثال، تغییرات جمعیتی، تغییرات جوی که مورد نظر است، همین وضعیت را در مورد سایر اقلامی که مورد محاسبه است و این که روزی ممکن است همه چیز به هم بریزد و از مسیر نظم خارج شود، نمی‌تواند. مورد توجه و محاسبه

قرار دهند. خودشان هم می‌گویند ما این را نمی‌توانیم
پیش بینی کنیم.

اشکال سوم اینکه متأسفانه به رغم این که دوربین
نیست و قبول دارد که نمی‌تواند نظم غیر معمول را پیش
بینی کند، ولی بردبار و صبور هم نیست و به تبع آن غرور
هم برایش ایجاد شده و پشت سرهم تکرار اشتباهات را
انجام می‌دهند. به هر حال امروزه این گروه آینده‌نگر با
نگرش عقلی معتقدند که جهان از آن کسانی است که
صاحب عقل و خرد و به تبع آن صاحب تکنولوژی و
فناوری است. آن گروه اول معتقد بودند که جهت، در
دست کسانی است که منابع غنی و ثروت را به صورت
حق و یا ناحق تملک دارند و به تبع آن قدرت دارند،
ولی این‌ها می‌گویند کسانی که تکنولوژی و فناوری از
نوع پیشرفته یعنی هسته‌ای دارند، جهان از آن‌ها
است. شما ببینید ۵ قدرت برتر جهان چگونه شده که به
خود اجازه داده‌اند حق و تو داشته باشند، برای این که
معتقدند فناوری از آن‌ها است و با کمال صراحت
هم معتقدند که کسی نباید به آن برسد و اگر چنانچه

مشکلاتی در جاهای دیگری به وجود بیاید، همین است که این‌ها خود را صاحب خرد برتر و فناوری پیشرفته می‌دانند و جهان را از آن خود می‌دانند. بنابر این آینده‌نگری با نگرش عقلی معتقد است که جهان از آن خردمندان و صاحبان خردی است که فناوری پیشرفته را داشته باشند.

ج) مکتب آینده‌نگری غیبی

در برابر آینده‌نگری عقلی و حسی، دیدگاه آینده‌نگری غیبی کاملاً روشن و واضح است. تکیه گاه این آینده‌نگری بروحی و وصل شدن به صاحب امر است. نزدیک شدن و ارتباط برقرار کردن با معمار و طراح خلقت است و ارتباط نزدیک برقرار کردن با کارگردان و نویسنده فیلمنامه آفرینش است. به عبارتی در کنار خالق دانا نشستن است. حالا قبل از این که نظر آینده‌نگری غیبی یا مفاهیم آن را توضیح بدهم، نظر مکتب غیبی را به آن دو مکتب عنوان می‌کنم.

نقطه نظر مکتب آینده‌نگری غیبی یعنی وحی الهی نسبت به آینده‌نگری با نگرش حسی، آیه ۳۹

سوره نور می باشد:

«وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً
حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ فَوْقِيَهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ
سَرِيعُ الْحِسَابِ»

در این آیه قرآن تماماً همین مسأله را می گوید. آن‌هایی که کافرند و وحی را قبول ندارند اعمالشان، رفتارشان و کردارشان و ارزیابی‌هایشان مانند سرابی است در بیابان هموار. با استفاده از حس بینایی فکر کرده که آن انتها آب است و می رود جلو و می بیند آب نیست.

این حس تشنگی او را به آن جا می کشاند تا می بیند آن جا چیزی نیست و فکر می کند جلوتر است و بعد می گوید آن جا غیر از خدا چیزی نمی بیند و خداوند هم سریعاً حساب جهالت را به او می دهد.

چه زیبا ترسیم کرده و می گوید تو که بسنده کردی به این حواس پنج گانه، پس حق تو است که به مثل کسی که میان بیابان تشنه است و سراغ آب می رود، در نهایت متوجه می شود که سراب است. این دیدگاه غیبی

نسبت به آینده نگری حسی است.

همین دیدگاه غیبی نظرش در خصوص آینده

نگری با نگرش عقلی آیه بعدی آن است. یعنی آیه ۴۰

سوره نور:

«أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ

فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ

لَمْ يَكْذِبْهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ»

می گوید این آدم های کافر مثل کسانی هستند که در

دریای ژرفی قرار گرفته اند در تاریکی بسیار ظلمانی که

موج در موج در این دریا می آید و بالای سرشان هم ابر

تاریک است و تاریک هم هست و در این وضعیت

طوری او را تاریکی فرا گرفته است که حتی اگر دستش

را هم بالا بیاورد، نمی تواند آن را ببیند. چرا؟ و ادامه

می دهد برای این که خدا به او نوری نداده و نور دیگری

هم ندارد.

این چه می خواهد بگوید؟ می خواهد بگوید گروه

عقلای بی ایمان حقیقتاً نور ندارند. بله عقل دارند، اما

در فضای کاملاً تیره و مبهم می خواهد ارزیابی کند. بله،

موج می آید، پشت سر هم می آید، ولی تو نمی دانی این موج هم مثل آن موج قبلی است، دست خودت را هم نمی توانی ببینی. شما تلقی داشته باشید یک وقت می خواهید ارزیابی کنید که آدمیزاد کجا است، وقتی می روی توی هواپیما، آن شهرهای زیر را ببینید یا به فضا بروید. می گویند تنها دو چیز دست ساز مصنوعی روی زمین از فضا دیده می شود؛ اهرام ثلاثه و دیگری هم دیوار چین، بقیه دیگر دیده نمی شود. حالا بروید در عالم کائنات. حال چگونه می خواهید آینده را ارزیابی کنید. مثل این که چند تا مورچه بخواهند برای آینده کره زمین ارزیابی داشته باشند. اصلاً شناخت نداریم، نور نداریم. تعبیر زیبای قرآن این است که می گویند اینها نور از خداوند ندارند، خوب اگر تمام این چراغهای سالن خاموش شود و ما نور هم از بیرون نداشته باشیم، اصلاً نمی توانیم همدیگر را ببینیم.

حال چگونه می خواهیم ارزیابی کنیم، بنابر این مشکل گروه دوم این است که بی بهره از نور الهی هستند لذا آینده نگری غیبی تمام هنرش این است که

می گوید اگر می خواهید آینده نگری کنید، باید وصل به نور شوید. آیه ۱۲۲ سوره انعام می گوید:

«أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَخْيَّتَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

آدم‌هایی که مرده بودند، آن‌ها را زنده کردیم و به آن‌ها نوری دادیم که بتوانند در بین مردم راه بروند. این چراغ‌ها را روشن کردیم. کافران مثل کسانی که در ظلمات و تاریکی که راه فراری هم ندارند، دارند زندگی می‌کنند. نور چیست. نور خداست، خدا نور آسمان‌ها و زمین است. آیه ۳۵ سوره نور که معروف به آیه نور است، می گوید:

«اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ. الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضَيُّءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُوْرٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

خدا نور بالای نور است که هر که را بخواهد با نور

هدایت می‌کند. غیر از خدا چه کسی نور است. اگر شما به خدا وصل شدید، وصل به روشنایی شدید.

دومین حلقه نور، رسول خدا است. آیه ۲۸ سوره

حدید می‌گوید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَآمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَةٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»

ای کسانی که ایمان آوردید، تقوای الهی را پیشه کنید و به خدا و رسولش ایمان بیاورید، که خدا و رسولش به شما نوری می‌دهند که بتوانید راه بروید. در آیه بعدی می‌گوید که علاوه بر خدا و رسولش، یک چیز دیگری هم نور دارد و در آیه ۸ سوره تغابن می‌فرماید:

«فَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»

ایمان بیاورید به خدا و رسولش و نوری که همراه او نازل کردیم، که بسیاری از مفسران آن را قرآن عنوان می‌کنند. بنابراین یک نور خداست، بعد رسول و بعد قرآن. البته برای مؤمنان، نه برای کافران.

در جایی مطالعه می‌کردم، می‌گفتند این کربلایی کاظم که به صورت غیبی برای او قرآن آموزش داده شده بود، نقل می‌کنند بخشی از نوشته‌های عربی را جلوی او گذاشته بودند تا او بخواند، بخشی از کلمات را که قرآنی نبود نمی‌فهمید و نمی‌خواند. بعد گفت بعضی جاها نور می‌زند «همان کلمات قرآنی» و آن‌ها را که نور ندارند، نمی‌توانم بخوانم.

بنابر این خدا و رسول و قرآن نور است. البته نتیجه نور رستگاری است. آیه ۱۵۷ سوره اعراف می‌فرماید:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

آن دسته از کسانی که ایمان آوردند به پیغمبر و او را گرامی داشتند و او را نصرت دادند و بیعت کردند، از نوری که ما فرستادیم، این‌ها جاده هدایت را

می پیمایند.

این نوری که ما معتقدیم به آدمی معرفت و ابزار می دهد تا بتواند از ادراکات و عقل و هوش خود استفاده کند این هم برای این جا مفید است و هم برای آخرت. آیه ۸ سوره تحریم می فرماید:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحاً عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»

روز قیامت روزی است که پیغمبر و آدم‌هایی که به او ایمان آوردند، این‌ها را خسران نمی دهیم، به آن‌ها نوری می دهیم که جلو و کنار راستشان حرکت می کند و راه را نشانشان می دهد.

اکثر تفاسیر می گویند باز هم در دنیای دیگر نیاز به نور است و آن جا هم نور می خواهند.

بنابراین نگاه کنید این نوری که این جا کسب کرد، آن جا هم دارد خواص می دهد، ولی باز هم می گوید من

نور می خواهم. این نور نهایتاً او را وارد بهشت می کند.
آیه ۱۲ از سوره حدید می فرماید:

«يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ
وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرِيكُمُ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَبْجُرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ
خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

روز قیامت مؤمنان و مؤمنات را می بینید که نوری
پیشاپیش و درکنار سمت راستشان در حال حرکت
است و به آنها مژده می دهد که وارد بهشتی شوند که از
زیر درختان آنها نهرهایی جاری است. ببینید این نور او
را تا کجا برد، از این دنیا رفت به آن دنیا. وای چه
حسرتی می خورند کسانی که با ما بودند و این نور را
نگرفتند. کسانی که با ما نیستند، مثل کافران که
تکلیفشان مشخص است. اینها که با ما هستند،
مناقضین هستند.

اینها طبق آیه بعدی یعنی آیه ۱۳ سوره حدید که
می فرماید:

«يَوْمَ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ لِلَّذِينَ آمَنُوا انظُرُونَا
نَقْتَسِبْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا فَضُرِبَ

يَتَنَّهُمْ يَسُورٌ لَهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ»
 روزی که منافقین و منافقات به مؤمنین می‌گویند به ما هم نگاه کنید تا ما هم مقداری از نور شما استفاده کنیم تا بتوانیم همراه شما بیاییم، به آن‌ها گفته می‌شود برگردید بروید عقب، اگر می‌توانید بروید آن دنیا، نور آن جا است. آن جا باید نور می‌گرفتید، نور دیگر این جا نیست و بعد دیواری در بین آن‌ها کشیده می‌شود که یک طرف مؤمنین و بهشت و طرف دیگر عذاب الهی است.

بنابر این می‌خواهم بگویم این آینده نگری غیبی همه هنرش این است که می‌گوید شما نیاز به یک ابزار دارید تا بتوانید خوب از عقلتان استفاده کنید و این ابزار مهم آینده نگری غیبی، نور است که از خدا، رسول، قرآن و خود مؤمن حاصل می‌شود و بسیاری از مفسران می‌گویند ادامه نوری که در پیامبر (ص) است. در وجود ائمه (علیهم السلام) متجلی است.

بعضی از کسانی که اهل ذوق هستند، در آوردند که عدد ۲۵۶ معادل سال تولد امام عصر (عج) است و آن را معادل نور در آوردند و بخشی از هدایت ما برای

آینده نگری، برای رسیدن به هدایت، تمسک به آن نور است و در این مقطع زمانی آن نور حضرت حجت (عج) است. بنابراین اگر آینده مطمئن می‌خواهیم، لازمه آن کسب و اکتساب نور است که بر اثر تمسک به خدا و قرآن و پیغمبر و امام عصر (عج) حاصل می‌شود.

اما به هر حال اگر نور را می‌خواهی تا به هدایت برسی، اول باور به غیب است. آیات ۱ تا ۵ سوره بقره می‌فرماید:

«الْم • ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ • الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ • وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَ مَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ • أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

دوم باید حداقل روزی ۵ بار ارتباط با خدا را حفظ کنی و نماز بخوانی و سوم هر چه داری ببخشی. انسان‌های پول اندوز، هیچ‌گاه به مسیر هدایت نمی‌رسند.

گروه اولی یعنی مکتب آینده فکری حسی می‌گفت آینده از آن پولدارها است، ولی قرآن می‌گوید

پول‌هایت را ببخش و انفاق کن.

چهارم باید به پیغمبر خاتم (ص) و پنجم به پیغمبران قبلی ایمان بیاورید و ششم باید به روز آخرت یقین حاصل کنید و بنا بر این کسانی می‌توانند هدایت واقعی بگیرند که با استفاده از دریافت نور، این شش مقوله را رعایت کنند.

آینده‌نگری غیبی برای ترسیم آینده چند موضوع را مدنظر قرار می‌دهد. اول می‌گوید خلقتی که من درست کردم، باطل نیست.

آیه ۱۶ سوره انبیاء: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا

بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ»

آیات ۳۹-۳۸ سوره دخان: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ ● مَا خَلَقْنَا هُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»

آیه ۲۷ سوره ص: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ»

آیه ۱۱۵ سوره مؤمنون: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَ

النَّارِ»

أَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ»

دوم این که ما می دانیم کسانی هستند که گرد و خاک می کنند و مزاحمت ایجاد می نمایند و به تعبیر قرآن می خواهند با فوت دهانشان این چراغ الهی را خاموش کنند، موفق نمی شوند.

آیه ۸ سوره صف: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ

اللَّهُ مُبِينٌ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»

سوم این که، جهان آینده‌ای روشن دارد، باطل نیست؛ گرچه عده‌ای گرد و خاک می کنند آیات ۸۶ - ۸۵ سوره حجر: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ • إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ»

آیه ۹ سوره صف: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ

دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

آیه ۳۳ سوره توبه: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ

دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

آیه ۲۸ سوره فتح: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ

دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا»

ولی در نهایت ما دین خود را کامل می‌کنیم ولو آن که مشرکین و کافران نخواهند و مانع شوند.

چهارم می‌گوید که آینده از آن مستضعفان است و می‌فرماید مستضعفان غالب خواهند شد.

آیه ۵ سوره قصص: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»
مستضعف هم کسی نیست که ضعیف است؛ کسی است که توانایی و قدرت دارد، ولی در ضعف نگه داشته شده است. برای مثال، حضرت هارون برادر حضرت موسی عليه السلام در زمان غیبت موسی عليه السلام و حضرت علی عليه السلام جزو مستضعفین عالم هستند؛ یعنی در حالی که تمام شرایط حاکمیت و مدیریت را داشتند، ولی ستمگران آنها را در ضعف نگه داشته بودند.

آیه ۱۰۵ سوره انبیاء: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»

آیه ۵۵ سوره نور: «وَعَدَالَهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ

خَوْفِهِمْ أَمْنَا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ
فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

بنابر این آینده نگری غیبی، دنیا را با سرانجامی
خیر و خوش عاقبت همراه با عدالت پیش بینی می کند.
پیغمبر (ص) می فرماید: ماکه آینده را پیش بینی
می کنیم، نگران نباشید، ولو یک روز مانده باشد از دنیا،
دنیا به آخر نمی رسد تا مردی از میان امت من، از فرزند
حسینم بلند می شود و این دنیایی را که ثروتمندان و
قدرتمندان پر از جور کرده اند، پر از عدل و داد می کند:
«لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ
يَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» (عیون اخبار الرضا: امام
رضا عليه السلام از امیرالمؤمنین و پیغمبر خدا).

حال ببینیم مکتب آینده نگری غیبی با توجه به
بهره وری از نور الهی، چه محاسنی دارد.

اولین امتیاز این که عاقبت گراست. مکتب حسی
نزدیک بین بود و مکتب عقلی دور بین نبود، ولی مکتب
غیبی عاقبت گراست و آخر خط را به شما می گوید.
دومین امتیاز، مطمئن و عاری از خطا است، زیرا خود خالق

می‌گوید.

نمونه آن هم اینکه اکثر پیش بینی‌هایی که پیامبران و اولیای الهی کرده‌اند، غالباً تحقق پیدا کرده است برای مثال، در عصر ما وقتی آن داستان فروپاشی نظام کمونیستی را حضرت امام خمینی (ره) به گورباچف گفتند، بسیاری از صاحب نظران دنیا معتقد بودند که این پیش بینی مبنای عقلی و خردورزی ندارد و چه کسی باورش می‌شد و البته این آینده‌نگری غیبی است که می‌تواند این گونه پیش بینی کند. بنابراین آینده‌نگری غیبی می‌گوید آینده از آن ذخیره الهی، حجت خدا روی زمین، رهبر مصلحان و پیشوای مستضعفان، حضرت بقیه الله اعظم امام زمان (عج) بوده و یاران او کسانی هستند که با نور خدا و ایمان درونی در جاده هدایت قرار گرفتند و به سر منزل تقوا و پرهیزکاری رسیده‌اند.

عاقبت از آن صالحان است که مستکبران آنها را در استضعاف نگه داشته‌اند. بنابراین به تعبیر قرآنی آیه ۲۰ سوره یونس: «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنتَظِرِينَ»، باید صبر

کرد و منتظر بود.

بیهوده نیست که پیامبر ﷺ فرمودند بالاترین عبادت، انتظار فرج است: «افضل العباده انتظار الفرج» و باز حدیث دیگری می‌فرماید: «انتظار الفرج بالصبر عباده» انتظار فرج با مقاومت در عبادت و بندگی حاصل می‌شود و این انتظار امیدوار کننده است. آن‌ها همه ناامید کننده بود و این سازنده و امیدوار کننده است. بنابراین، سومین امتیاز آینده نگری غیبی، امیدوار کننده و سازنده بودن آن است. چون وارث دنیا را افراد صالح و پرهیزگار و مستضعف می‌داند.

خوب، حالا این مباحث چه ربطی به هلال احمر دارد، هلال احمر معدود نهادی است که در نظام جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای تسکین آلام جوامع بشری، تأمین احترام انسان‌ها، کوشش در جهت برقراری دوستی و تفاهم متقابل و صلح پایدار میان ملت‌ها را از اهداف آن ذکر کرده‌اند. بنابراین برای ما از این چه افتخاری بالاتر که مقتدا و مولای ما مصلح کل، منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود (عج) باشد

و برای تحقق صلح جهانی با آمادگی های ایمانی و رفتاری در انتظار فرج و ظهور ایشان باشیم.

امیدواریم خداوند به ما توفیق عطا فرماید تا جزء منتظران واقعی او باشیم و چه خوب است در پایان، بخشی از دعای عهد را با هم مرور می کنیم «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَ أَعْوَانِهِ وَ الذَّائِبِينَ عَنْهُ وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَائِهِ حَوَائِجِهِ وَ الْمُتَّبِعِينَ لِأَوْامِرِهِ وَ الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ وَ السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ»

والسلام عليكم و رحمت الله



سخنرانی

حجت الاسلام و المسلمین حسینی بوشهری
مدیر حوزه علمیة قم

قبل از آغاز سخن لازم می دانم خدمت شما برادران و خواهران نسل جوان و افتخار آفرینان امروز و فردای کشور اسلامی و مسؤولان محترم هلال احمر که در این همایش باشکوه به نام و یاد مهدی با عنوان «در انتظار صلح جهانی» حضور پیدا کردید، مقدم شما را به قم، آشیانه اهل بیت (علیهم السلام) و حوزه علمیة گرامی بدارم.

در رابطه با هر مسأله و هر موضوع، از دو راه و دو زاویه می شود بحث و بررسی کرد: یکی عقل و خرد و دیگری از زاویه فطرت و عاطفه. مقصود از فطرت، آن الهامات و ادراکات درونی بشر است که نیاز به برهان و استدلال ندارد و بدون برهان و استدلال هم انسان آن را

می پذیرد و به آن ایمان می آورد. حتی در پاره‌ای از مواقع این الهامات درونی و کارایی و نقش آن و امواجی که آن ایجاد می‌کند، به مراتب از آن جایی که عقل و خرد وارد صحنه شده، واضح‌تر، عینی‌تر، پرجاذبه‌تر و ملموس‌تر است. وقتی مقالات و نوشته‌ها و تعبیراتی که شما جوانان و خواهران و برادران عزیز به رشته تحریر در آورده‌اید - گرچه دیر وقت به دست من رسید و فرصت نگاه اجمالی به این مطالب را داشتم و نشد که درست تک تک موارد را مطالعه کنم - دیدم، سراسر این مقالات همه عاشقانه در انتظار آن مصلح کل قلم فرسایی کرده‌اند و چه زیبا بود.

سوالی که منی شود مطرح کرد این است که درباره پایان زندگی این جهان یا بخش پایانی، آن فطرت و الهامات درونی به ما چه می‌گوید؟ آیا می‌گوید پایان این جهان جنگ است؟ پایان آن خونریزی است؟ پایان آن ظلم و بی‌دادگری است؟ و یا پایان این عالم، صلح، عدالت و امنیت است؟ به نظر می‌رسد که چون قضایای فطری قضایایی است که خواست عمومی در رابطه با آن‌ها مطرح است، یعنی اگر یک موضوع را

ارزیابی کردیم و دیدیم از نگاه عموم انگشت بر روی یک مسأله گذاشته می شود، می توان این گونه تعبیر کرد که این الهام فطری است.

این نگاه یک نگاه فطری است؛ حتی اگر برهان و استدلال هم نداشته باشد. این نگاه فطری نگاهی است که باید آن را پذیرفت و ایمان آورد. ما در رابطه با پاسخ این سؤال می بینیم فطرت و آن نهاد درونی ما و آن ادراکات ما بر روی دو نکته کلیدی و اساسی انگشت می گذارد. جالب این است که این دو نکته فراگیر است و به منطقه، نژاد و چیزهایی دیگر منحصر نیست. اول عشق به صلح و عدالت، دوم این که بشر با این همه ویژگی هایش در انتظار یک مصلح بزرگ به سر می برد. ما در رابطه با مسأله و مقوله عشق به صلح و عدالت، معتقدیم که الهام فطری است، زیرا هر کجا قدم می نهیم و از خواسته هر جمعیتی و هر مجموعه ای این پرسش را مطرح می کنیم، می بینیم ضمیر ناخود آگاه همه به این مسأله گواهی می دهد که ما عاشق صلح و عدالت هستیم و این که با تمام وجود می خروشیم و فریاد می زنیم صلح و عدالت را. از آغاز پیدایش بشر بر روی

این کره هستی تاکنون و بعدها کسی را پیدا نمی‌کنید (حتی ستمگرترین انسان‌های تاریخ) که نسبت به صلح و عدالت نگاه مثبتی نداشته باشد.

یعنی کسانی که اهل ظلم و ستم هستند، آن‌ها هم کارشان را به نام عدالت و صلح تعریف و توجیه می‌کنند و موقعی که با آن‌ها گفتگو شود، نمی‌گویند که ما ستمگران تاریخ هستیم؛ خودشان را مصلحان تاریخ می‌دانند و گاهی دیگران را متهم به بی‌دادگری می‌کنند. این که یک خواست عمومی است و ما اساساً مفاهیم فطری را با این ملاک می‌سنجیم که خواست یک جامعه به خصوص در رابطه با اکثریت مطرح نیست، می‌دانیم که پاسخ این است که پایان این جهان، جنگ و خونریزی و بی‌داد نیست، بلکه صلح و عدالت است، زیرا این در دل تمام دل‌ها با تمام ویژگی‌ها وجود دارد. نکته دوم در رابطه با این مقوله، این که همه منتظر یک مصلح بزرگ هستند، منتظر یک انقلابی بزرگند، منتظرند که این جهان شگفت، این جنایت‌ها و ستم‌ها، روزی به کنار برود و مصلحی بزرگ و دلسوز به جای همه این بی‌دادگری‌ها، صلح و عدالت را حاکم

کند. اتفاقاً می‌بینیم که این مسأله، خواست عموم جامعه بشری است.

در کتاب مربوط به هندوها آمده است: در انتظار آن مصلح بزرگ، سرانجام دین به کسی بر می‌گردد که او خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او می‌باشد و نام او فرخنده و خجسته است. این که ما وجود حضرت مهدی (عج) را موعود امام می‌دانیم، این است که همه منتظرند، ولی در نشانی‌ها، در نام، در ویژگی‌ها، گاهی با هم اختلاف داریم. این تنها شیعه است که با تمام ریزه کاری‌ها آن مصلح را نه به جامعه شیعه و مسلمانان که به کل بشریت معرفی کرده است. حتی قد او، سیمای او، خال در صورت او، راه رفتن او، ویژگی‌های فردی و تمام ریزه کاری‌های آن مصلح موعود امام را معرفی کرده است.

خیلی جالب است در کتاب «جاماسبنامه» از زرتشت نقل می‌کند: مردی بیرون آید از زمین تازیان با سپاه بسیار و روی به ایران نهد، آبادانی کند و زمین را پر از داد کند.

این نمونه‌های کوچکی است از بیان انتظار بشریت

برای آمدن مصلح بزرگ. بنابراین ما کمتر موضوعی سراغ داریم که کلیمیت، مسیحیت، مجوسیت، بودا، و همه ادیان و مکاتب، نقطه مشترکی داشته باشند که سرانجام کسی خواهد آمد. و همه هم با نگاه اصلاحگری و مصلح بودن؛ نه کسی خواهد آمد برای جنگ و خونریزی، نه کسی خواهد آمد برای بیداد و ستمگری، بلکه کسی خواهد آمد که این دنیا را اصلاح کند.

منتهی سوآلی که این جا مطرح می باشد، این است که آیا همین که فطرت ما عشق به صلح و عدالت دارد، همین که تمام جامعه بشری با هر نژاد و قبیله ای منتظر آن مصلح هستند، کافی است؟ یا شرایط دیگری را هم باید به کار بست تا شاهد آن صحنه زیبا باشیم. آنچه مهم است، ایجاد آمادگی است. ما همه منتظر هستیم. آیا آن تمهیدات و مقدمات و بستر لازم را فراهم کرده ایم؟ یا هنوز در آغاز راه هستیم؟

سه شرط اساسی برای تحقق آن ایده و آرمان و آن انتظار مقدس وجود دارد. یکی آمادگی فکری و فرهنگی، دوم آمادگی اجتماعی و سوم آمادگی از نظر

تکنولوژی و ارتباطات.

آمادگی فکری و فرهنگی یعنی چه؟

یعنی بشر باید به این نقطه برسد - (که البته رسیده است به مقدار زیادی) - که نژاد خاص، قبیله خاص و مجموعه خاص، اینها حرف اول را نمی‌زند، لذا امروز آرمانی در دنیایی که امروز من و شما زندگی می‌کنیم، به عنوان آرمان جهان وطنی وجود دارد. معنی جهان وطنی این است که سرزمین خاص ما، ناحیه خاص و مجموعه خاص نیستند که حرف اول را می‌زنند و لذا اگر می‌بینید در گوشه‌ای از این دنیا یک کشور و یک دولت روی یک نژاد خاص تکیه می‌کند، بسیج عمومی افکار دنیا علیه آن کشور است. این که می‌بینید افکار عمومی دنیا علیه اسرائیل بسیج شده و در مقابل تمام قلدری‌ها ایستاده، برای این است که دیگر فکر جامعه امروز، فکری نیست که نژاد و قبیله و عده‌ای خاص را به عنوان حاکمان به رسمیت بشناسد، بلکه مقوله جهان وطنی مطرح است.

لذا شما آرام آرام و لابه لای اخبار و واقعیت‌های جامعه مان می‌بینید خبرنگاران بدون مرز. پزشکان

بدون مرز، اصلاً واژهٔ خبرنگاران بدون مرز و پزشکان بدون مرز که واقعیت جامعه ما است، این‌ها نشانگر آن آمادگی فکری است که اگر این آمادگی نباشد، آن مصلح نمی‌تواند حاکمیت بر تمام جهان داشته باشد.

دوم: آمادگی اجتماعی لازم است. یعنی جامعه بشری باید به جایی برسد و ببیند این شعارهای دلخوش کن حقوق بشر راه به جایی نبرده و نخواهد برد.

یک دین، دین غالب است؛ هم از نظر منطق و استدلال و هم از نظر غلبهٔ ظاهری و حاکمیت. از وجود معصوم علیه السلام سؤال می‌کنند که این مربوط به چه موقع است. امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: این که دین در هستی حاکمیت پیدا کند، موقعی است که مهدی (عج) قیام می‌کند. این منجی بگونه‌ای عمل می‌نماید که دیگر روی کره زمین خانه‌ای پیدا نمی‌شود که اسلام در آن نباشد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: این دنیا که می‌بینید با تمام سرکشی‌ها و چموشی‌اش و با همه بی‌مهری‌ها که نسبت به ما اهل بیت علیهم السلام داشت و دارد، در آن زمان که

خیلی هم ظلم شد، می‌گوید با تمام این‌ها روزی این دنیا چهرهٔ خوش به ما نشان خواهد داد. مانند شتر ماده، وقتی کسی می‌خواهد شیرش را بدوشد، او چموشی می‌کند، زیرا عشق به بچه‌اش دارد و می‌خواهد این شیرها را برای بچه‌اش نگه دارد و به دوشندهٔ شیر، شیر نمی‌دهد و این‌ها را برای بچه‌اش نگه می‌دارد، دنیا به روزی خواهد رسید که بعد از تمام سرکشی‌ها، روی محبت نشان خواهد داد؛ همان‌گونه که شتر ماده به فرزندش روی محبت نشان خواهد داد. تا این را فرمود گفت: یعنی آن را که من می‌گویم، خداوند هم در قرآن وعده داده است.

نبی اکرم ﷺ دست زد به شانهٔ امام حسین علیه السلام و رو کرد به حضرت زهرا علیها السلام و گفت: از این فرزند مهدی است و بعد فرمود دنیا به پایان نمی‌رسد، مگر این که فردی از فرزندان حسین بیاید.

از امام باقر علیه السلام به بعد امامان ما هم حسنی هستند و هم حسینی، چون مادر امام باقر دختر امام حسن مجتبی است، لذا وجود امام عصر علیه السلام نوهٔ پسر امام حسین علیه السلام و نوهٔ دختری امام حسن علیه السلام است.

جامعه آرمانی عصر ظهور چگونه است؟ عدالت حاکم است. هنگامی که آن عزیز ظهور کند، اصحابش را مأموریت می دهد که بشر تشنه عدالت و احسان است. حالا وقت رسیدگی به بشر است. عصر ظهور جامعه ای است همراه با امنیت، چون منشاء دزدی، ناامنی و چپاول، سه چیز می تواند باشد: فقر، ضعف ایمان و نبود مدیریت حکومت ها. با آمدن او، فقر از بین می رود، ضعف ایمان به ایمان تبدیل می شود، و عالی ترین مدیریت در آن روز پیاده می گردد. کارگزارانی مطمئن و مدیریتی شایسته. لذا در یکی از روایات آمده است که هم آبادانی حاکم است و هم امنیت. گونه ای امنیت برقرار می شود که اگر یک زن به تنهایی بخواهد از سرزمین عراق تا شام حرکت کند، احساس امنیت می کند و مشکلی او را تهدید نمی کند، یعنی کل سرزمین بین عراق و شام به عنوان نمونه پوشیده از سبزه و آبادانی است و هر کجا این زن قدم نهد، روی گیاه قدم می گذارد و تمام امکانات در اختیار بشر قرار می گیرد.



متن سخنرانی آقای دکتر نوربالا،
رییس جمعیت هلال احمر
در جمع دانشجویان
مرکز آموزش عالی دختران ولی عصر (عج)
تحت عنوان:

همسو با انتظار فرج

تهران - ۱۳۸۱

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَ بِهٖ نَسْتَعِیْنُ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَانَا لِهٰذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِیْ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا لِلّٰهِ
با حمد و سپاس به درگاه ایزد منان برای توفیق
حضور در این جمع و محفل دانشگاهی و با تشکر و
امتنان از همه همکاران و مسئولان برگزارکننده و
عزیزان شرکت کننده در این جمع، خدمت عزیزان قبل
از هر چیز میلاد با سعادت حضرت ولی عصر (عج)،

منجی عالم بشریت را که پشت سر گذاشته‌ایم، صمیمانه تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و مطالب من عمدتاً حول مسایل «محور همسو با انتظار فرج» است. قبلاً باید عرض کنم که بنده نه سخنران هستم، نه واعظ و نه در عین حال مدرس و محقق دینی، ولی به عنوان یک معلم کوچک دانشگاه و کسی که به مسایل تحقیق علاقه دارم، سعی کرده‌ام که مجموعه مطالب را که بیشتر شاید استنباطات فردی از مسایل اسلامی باشد، خدمت شما معروض دارم. به هر حال به عنوان یک ایده مسلم قطعی برای همه مسلمانان‌ها، ظهور فردی به نام مهدی موعود در مکتب ما آمده است. حال اهل تسنن یک سری استدلال دارند، اهل تشیع استدلال‌های دیگری دارند، ولی شما به عنوان دانشجو و به عنوان اعضای محترم هیأت علمی که قطعاً وظیفه تحقیق و تتبع در زمینه مسایل آموزشی و مسایل اجتماعی را هم دارید، باید دلایل آن را بیابید. من حالا یک روایت را که به نظرم جالب است، برای شما عرض می‌کنم.

«عن ابی جعفر علیه السلام قال: إذا قام قائمنا وَضَعَ اللَّهُ

يَدُهُ عَلَى رُؤُسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولِهِمْ وَكَمَلَتْ بِهَا إِحْلَافَهُمْ»

حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: چون قائم ما قیام کند، خداوند دست رحمتش را بر سر بندگان گذارد، پس عقولشان را جمع کند، در نتیجه آرزوهایشان کامل شود. (اصول کافی، کتاب عقل و جهل، حدیث (۲۱)

هر وقت فردی که قیام کرد به عنوان مهدی موعود کارهایی را که انجام می دهد، خدا دستش را بر سر بندگان قرار می دهد و «جَمَعَ بِهَا عُقُولِهِمْ وَكَمَلَتْ بِهَا أَحْلَافَهُمْ» یکی از هنرهای این بزرگوار این است که عقل های شما را روی هم می گذارد و آرزوهای شما را تکمیل می کند.

اگر این آرزو هست که ظهور دین اسلام بر سایر ادیان و تحقق عدالت همگانی باشد، به تنهایی خود مهدی موعود نمی تواند این کار را انجام بدهد. این با عموم من و شماست که با جمع آوری کردن، تلفیق و هماهنگی و تدبیر و هدایت امور است. من می خواهم عرض بکنم که انتظار فرج عمل است. این که گفته می شود امام زمان (عج) ۳۱۳ نفر یار دارد و بعد هم در

بعضی از احادیث است که به دنبال او یک گروه
 ۱۰/۵۰۰ نفری است، به این مفهوم است که او به
 تنهایی قرار نیست که کاری انجام بدهد. یعنی نوعاً
 مدافعان و همراهانی می‌خواهد که از عموم آنها
 استفاده کند، تا ان شاءالله آرزوهای جامعه اسلامی را
 تحقق بخشد.

شاید بحث، خسته کننده باشد، ولی من دوست
 دارم نظر شما را به عنوان نظر پیشنهادی یا مکمل این
 بحث داشته باشم. امروزه در یک ارزیابی مدیریتی مدل
KAP (Knowledge Attitude Practice) را مورد
 توجه قرار می‌دهند و این جانب می‌خواهم این پدیده را
 در مورد انتظار فرج تطبیق دهم.

Knowlege (دانش، آگاهی و شناخت)،
Attitude (بینش، ایمان، باور) و **Practice** (عمل و
 رفتار). این عمل را که من از آن یاد کردم، فرآیند انتظار
 فرج را می‌خواهم با این مدل ارزیابی کنم؛ یعنی اگر ما
 بخواهیم که عمل ما منطبق با انتظار فرج باشد، جامعه
 ما باید حداقل سه ویژگی زیر را تدارک ببیند و به آن
 ملتزم گردد.

۱. تقویت نگرش جهان بینی:

جهان بینی، نه به معنی ایدئولوژی و شناخت، بلکه به عنوان جهان نگری یا کلان نگری. واقعیت قضیه این که چرا می گویند نگرش جهانی داشته باشید، برای این که حداقل چندین دلیل داریم. یکی از دلایل ما این است که ما آیه قرآن داریم که پیغمبر، فقط برای مردم مدینه، مکه، قم، ایران و عربستان نیامده است. آیه ۲۸ سوره سباء: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا»
ما تو را نفرستادیم مگر فقط برای عموم مردم باشد.

در حقیقت این رسالت جهانی است. همچنین آیه ۹ سوره صف:

«هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»

یعنی می خواهد بر همه ادیان پیروز بشود. اگر می خواهد بر همه ادیان پیروز شود، نمی شود همه جهان را نداشته باشد.

دومین مطلبی که در مورد جهان بینی می باشد، باتوجه به این که من نوعاً بحث های قرآنی می گویم، یکی، این آیه

است:

آیه ۲۰ - سورة عنكبوت: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا
كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ»

یعنی سفارش و توصیه به سیر در روی زمین
می‌کند تا ببینیم خلقت چگونه به وجود آمد.
تأکید دینی ما این است که فقیه باید جغرافیا را
بخواند، یا این که می‌گوید «كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ» یعنی
زیست‌شناسی را بداند، یعنی زمین‌شناسی را باید
بداند، کسی که اطلاع از علم زیست‌شناسی،
زمین‌شناسی، جغرافیا ندارد، «سِيرُوا فِي الْأَرْضِ» نکرده
است.

یک آیه دیگر هست؛ آیه ۴۲ سورة الروم: «قُلْ سِيرُوا
فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ»

می‌گوید که شما در زمین سیر کنید و سرانجام افراد
قبل از خود را ببینید.

باز هم نوعاً بحث تاریخ است. یعنی نمی‌شود ما
بگوییم انسان منتظر، از این مسایل اطلاع نداشته باشد؛
یعنی قطعاً باید تاریخ بدانید، جامعه‌شناسی بدانید و
زمین‌شناسی و چیزهای دیگر که گفتیم.

دیگر این که ما باید کلان نگری و جهان نگری داشته باشیم؛ این که انگیزه خلقت ملیت‌ها را خدا در قرآن، معرفت دانسته است دقت کنید، این آیه قرآن است که شما زیاد به گوشتان خورده است: آیه ۱۳ سوره حجرات: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»

و ای مردم ما شما را به صورت مذکر و مؤنث آفریدیم. نکته مهم این است که «وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا». شما را شعبه شعبه و قبیله قبیله و گروه گروه، از نژادهای مختلف قرار دادیم. «لِتَعَارَفُوا» برای این که به معرفت برسید، برای این که همدیگر را بشناسید؛ یعنی کسی نمی‌تواند بگوید من شعب مختلف انسان‌ها، نژادها، گروه‌ها، و قبیله‌ها را نشناختم و با معرفت کامل آدمی آشنا هستم. وجه مکمل معرفت این است که انسان انواع مختلف آدمیزاد را بشناسد، قبایل و گروه‌هایی که هستند، بشناسد. شما می‌بینید که چینی‌ها و ژاپنی‌ها مثل هم هستند، آنها هم وقتی نگاه می‌کنند، ما همه مثل هم هستیم. ولی وقتی دقت می‌کنیم، می‌بینیم چقدر فرق دارند. آنها هم همین طورند؛ یعنی

این معرفت، زمانی حاصل می‌شود که ما آحاد نژاد و قبایل گوناگون را بشناسیم، بنابر این من می‌خواهم از همین آیه نتیجه‌گیری کنم که شما فرد مسلمان منتظر، باید مردم‌شناسی خوانده باشید.

امروزه «آنتروپولوژی» یا «مردم‌شناسی»، رشته‌ی خیلی وسیعی است که در مملکت ما خیلی‌ها نمی‌دانند چیست. جامعه‌شناسی اگر نخوانید، شما نمی‌توانید جوامع و قواعد را بدانید و زبان‌شناسی نیز چنین است. شما اصلاً می‌دانید امروزه چند زبان وجود دارد همچنین خود دین‌شناسی، فرهنگ‌شناسی، یعنی اگر ما این‌ها را نداشته باشیم، کلاه‌مان پس معرکه است و نمی‌توانیم منتظر فرج باشیم. بدون نگرش جهان‌نگری، این هم یک دلیل دیگر.

دلیل چهارمی که ما باید این‌جا داشته باشیم، این است که مگر ما مدعی نیستیم که امام زمان می‌آید و حکومت جهانی را راه اندازی می‌کند؟ شما چگونه می‌خواهید امام زمان (عج) ظهور کند و ما را جزء انصار قرار بدهد؟ نمی‌شود بدون اطلاع از جهان، حداکثر از مکه و مدینه و مثلاً از سوریه هم بدانید؛ این نیست. باید

اطلاع جامع داشته باشید.

ما معتقدیم امام زمان (عج) که می آید، همه جهان را زیر چتر یک حکومت جهانی واحد قرار می دهد. ما هم می خواهیم جزء اصحاب و یاران امام باشیم، ولی ما نمی دانیم که اصلاً جهان چند کشور دارد. من اگر از همه شما پرسیم که جهان چند کشور دارد، مطمئنم که کمتر از ۱۰ نفر جواب صحیح می دهند.

خوب حالا بعضی از نخبگان ما که اصلاً نمی دانند و ما حالا که مدعی حکومت جهانی واحد هستیم، هنوز نتوانستیم یک قلم مشکلمان را در ارتباط با عید فطر حل کنیم. عید فطر ما که در این طرف رودخانه هستیم، با آن طرف رودخانه فرق می کند. بدتر از آن در چند تا از این شهرها مثل لندن، پاریس، وین و ژنو و از کشورهای مختلف وقتی می پرسیم، فاجعه آن جاست. مسلمان های ایران می گویند ما مطابق ایران عید فطر می گیریم، مسلمان های عربستان مطابق عربستان عید فطر می گیرند، مسلمان های مصری هم مطابق مصر؛ مگر لیلۃ القدر که زمین چند روز است؟ اصلاً اختلاف افق بین این طرف زمین با آن طرف زمین، کمتر از ۱۲

ساعت است. حضرت امام خمینی (ره) مجبور شده بود، وقتی که می خواست روز جهانی برای فلسطینی ها تعیین کند، «روز قدس» را گفته بود آخرین جمعه ماه رمضان، چون باهم تفاهم نبود. حال بدتر از آن ما روی عید فطر هم مشکل داریم. یعنی انسان مدعی انتظار ظهور باشد، ولی جهان بینی اش آنقدر ضعیف باشد.

من می خواهم نتیجه گیری کنم که ما اگر نگرش جهان بینی مان را تقویت نکنیم و دانش جهان بینی مان را بالا نبریم، اگر از طریق آموزش، یادگیری، تعلیم و تعلم، مسافرت و دیدن برنامه های مختلف، نتوانیم این قضیه را حل کنیم، مطمئن باشیم که ما آمادگی ظهور نداریم و جالب هم هست که مسلمین بزرگ جهان اسلام، همه آنها که یک پله از ما بالاتر بوده اند، رفته اند و دنیا را سیر کرده اند. سید جمال الدین اسد آبادی مصلحی است که بقیه به دنبال او راه افتاده اند، باگردش در بسیاری از کشورها جهان بینی وسیعی پیدا کرد. مرحوم دکتر شریعتی کسی بوده است که اکثر کشورها را حداقل رفته. خود مرحوم امام (ره) بنا به هر دلیلی از جمله تبعید و غیره به چندین کشور اسلامی و اروپایی

مسافرت داشتند؛ این خیلی دید را بالا می برد.
 من می خواهم بگویم که شما باید کوشا باشید،
 باید تلاش کنید که نگرش جهان بینی را به صورت کلی،
 در ارتباط با افزایش سطح دانش و آگاهی خود بالا ببرید
 که این مقوله همسو با انتظار است.

۲. تقویت بینش حرکت جمعی:

دومین حرکت و تلاش همسو با انتظار فرج، **تقویت بینش حرکت جمعی** است. حرکت باید حرکت جمعی باشد؛ یعنی چه؟ یعنی کار گروهی یا کار تیمی؛ حالا چرا؟ استدلالش را می گویم. برای آن چهار استدلال قرآنی آوردم. این خیلی بیشتر دارد، که مواردش را اشاره می کنم: یکی از این ها شما دقت کرده اید، که چرا در بعضی از آیات قرآنی خدا وقتی می خواهد در مورد خودش بگوید «إِنَّا» را استفاده می کند. «إِنَّا» یعنی «به درستی که ما» و «نَحْنُ» را می گوید، به رغم این که خدا خودش یکی است. مفسران می گویند، برای این که یک هستی آفرینش است. خدا خواسته بگوید که این مجموعه است که درگیر است.

آیه ۹ سوره حجر: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ

لِحَافِظُونِ»

ما ذکر را که می‌گوییم که در قرآن است، نازل کردیم، خودمان هم حفظش می‌کنیم. یا آیه ۸ سوره فتح: «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا»

یکی از استدلال‌ها این است که ما برویم، یاد بگیریم که منی که خدا هستم، اراده کنم.

آیه ۶۸ سوره غافر «فَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ

فَيَكُونُ»

خدا که یک اراده بکند، بگوید شو و بشود، او هم دارد از «ما» استفاده می‌کند.

چرا ما، از واژه «من» استفاده می‌کنیم؛ یعنی من محوری را باید تبدیل کنیم به ما محوری. این یک توصیه است، یک تعلیم است. البته فکر می‌کنم که فلسفه‌های دیگر هم داشته باشد. دیگر چه؟ همین خدا توصیه‌اش غیر از انا و نحن، دعاهایی که به ما یاد می‌دهد، بسیاری از دعاها، رتناست «خدای ما». رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا رَبَّتًا لَا تُرْغِ قُلُوبَنَا، رتناهایی که هست ببینید؛ البته رب و ربی، هم هست، ولی این‌ها حتماً دلیل داشته است.

شما همین نماز را، نماز حالا واقعاً بحث جالبی

دارد که فرصت نمی‌شود، ولی این نماز را که باز مثل عید فطر در همه مسلمانانها هست، هر چه اختلاف باشد، در یکی چیز اختلاف نیست؛ آن چیست؟ در سوره حمد خواندن. دیگر ما شیعیان قسمت دوم را یک سوره کوچک می‌خوانیم، آنها سوره دیگر می‌خوانند. ممکن است در ذکر سجده و رکوع با هم اختلاف داشته باشیم، ولی در قرائت سوره حمد اختلاف نداریم.

اصلاً یک بحثی است که می‌گویند عصاره قرآن، سوره حمد است. این نمازی که ستون دین است «**الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ**» می‌گوید، نماز درست شده برای سوره حمد. همین حمد را بروید ببینید، سوره حمد را که می‌گویند عصاره قرآن است، وسط این سوره «**نَسْتَعِينُ**» است. این نستعین چیست؟ می‌گوید ما استعانت می‌خواهیم از تو و باز جالب‌تر، نماز را نگاه کنید. نماز، اول آن «**اللَّهُ اكْبَرُ**» است، آخر آن هم «**السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**»، خیلی جالب است که ما از سه تاسلامی که داریم برای نماز، یکی «**السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ**»، «**السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ**

الصَّالِحِينَ» و «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» همه جالب است که شما اگر وقت نداشتید، آخرین را باید بگویید؛ یعنی با خدا شروع و با مردم تمام می‌شود. تعلیم پیغمبر و ائمه، الی ماشاءالله زیاد است. یکی همین توصیه برای نماز جماعت است. دیده‌اید چقدر توصیه شده برای نماز جماعت؟ بحث نماز جمعه‌ها چقدر ثواب زیادی دارد. همه این‌ها باید کار گروهی باشد. در حج غیر از این که همه دور یک محور می‌چرخند، ولی در یک زمان مشخص، در یک مکان مشخص، یعنی کار گروهی، خوب یک چیز دیگر که مربوط به حضرت علی علیه السلام می‌آید و «جَمَعَ بِهَا عَثْوَلَهُمْ»، و در جای دیگر حضرت علی علیه السلام در خطبه ۹۹ نهج البلاغه تعبیر زیبایی دارد و می‌فرماید: بعد از من چه مصیبت‌ها می‌شود، چه حوادث و کشمکش‌هایی پیش می‌آید. حتی «يُدْفَعُ اللَّهُ لَكُمْ» تا این که خدا برای شما می‌فرستد «مَنْ يَجْمَعُكُمْ وَ يَضُمُّ نَشْرُكُمْ» آن کسی که قرار است بیاید شماها را جمع می‌کند. این باز حرکت جمعی و کار گروهی است. یا «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» را زیاد شنیدیم و بنابر این در این جا باید عرض

کنم که متأسفانه یکی از مشکلات ما، در فرهنگ ایرانی ما این است که «ما محوری» نیست، من محوری است. آنقدر هم ریشه دوانده که ما در ورزش‌ها، ورزشهایی که فردی است، مثل کشتی و وزنه برداری، موفق هستیم، ولی در فوتبال و والیبال که جمعی است، ما مشکل داریم. همین جا اگر شماها بخواهید در جایی جمع بشوید و از این جا بروید مثلاً به وزارت آموزش و پرورش، نمی‌توانید با همدیگر هماهنگ باشید. ما در کارگروهی و کار جمعی، گرفتاری داریم. چون که هنوز «من محوری» است، «ما محوری» نیست. همین وضعیت را شما در ابعاد مختلف می‌توانید ببینید. حتی وقتی مدرسان و پژوهشگرانمان را مقایسه می‌کنیم با مدرسان و محققان خارج از کشور، آن جا اصلاً محال است یک نفر کار تحقیقی و تحریری کند؛ یک تیم هستند. حتی هدایت دینی ما هم متأسفانه همین وضع را دارد. افراد برجسته ما واقعاً فردی برجسته شده‌اند، به صورت تیمی نتوانسته‌اند. همین الان اگر یکی از مراجع ما خدای نکرده مشکل پیدا کند، گرفتاری داریم. مرجع چه می‌شود، ما تعداد زیادی مرجع داریم، ولی

در جهان مسیحیت این طوری نیست، جمع می‌شوند صورت کار گروهی، چند روزی می‌نشینند و بعد یک نفر را انتخاب می‌کنند. یعنی من می‌خواهم بگویم ما در زمینه کار گروهی مشکل داریم. در فرهنگ ما کار جمعی کردن و کار گروهی کردن مشکل دارد. در درس خواندن دانشجویان ما هم همینطور است؛ در برنامه‌های دیگر هم همین رفتاری‌ها را داریم.

۳. تقویت رفتارهای اخلاقی:

ببینید عزیزان! من گفتم در بینش و ایمان باید کار گروهی و جمعی باشد و وقتی به مرحله عمل می‌رسد، اگر عمل، اخلاقی نباشد، مشکل خواهد بود. در راستای انتظار فرج می‌خواهند سطوح دینی را تقسیم بندی کنند. دین را مانند درخت به سه سطح تقسیم می‌کنند. سطح اول دین چیست؟ سطح باورها؛ چه باورهایی است؟ مثل باور توحید و یا دین‌داران باور دارند که حساب و کتاب روز قیامت هست و پیغمبرانی هم آمده‌اند. این را می‌گوییم باورها، بعضی می‌گویند اعتقادات که از عقیده یعنی گره خوردن است، می‌آید. این ریشه است، یک ریشه‌ای دارد و تقریباً می‌توانم

بگویم جهان شمول است. کمتر کسی است که معتقد نباشد پیامبرانی آمده‌اند. حتی اگر در نص قرآن هم نگاه کنیم، آن‌هایی هم که کافرند، در جاهایی هم که گیر می‌کنند، می‌گویند خدا خالق آسمان‌ها و زمین است. این سطح اول است.

سطح دوم که به عنوان ساقه و شاخه و برگ است، این رفتارهاست با آداب و سنت‌ها که احکام نامیده می‌شود؛ مثل نماز، روزه و سایر احکام عبادی این را هم همهٔ ادیان دارند. مهم‌ترین گرفتاری ما این است که در این سطح اختلاف داریم و در بالایی و پایینی اختلافاتی نداریم.

سطح سوم میوه است. این زشت است و این خوب است که در این اخلاقیات، ما متأسفانه مشکل داریم. پیغمبر هم می‌گوید من آمده‌ام برای تکمیل اخلاق «إِنِّي بُعِثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» یا خداوند به پیغمبر در آیهٔ ۴ سورهٔ قلم «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» تو اخلاقت خوب بود که توانستی افراد را دور خودت جمع کنی. ما در سطح دوم مشکل داریم. به ظاهر جمع می‌شویم. گفتیم مردها باید لباسشان چه باشد، ریش

خود را نتراشند، خانم‌ها باید لباسشان چه باشد، در حالی که اصل، میوه است.

یکی از این میوه‌ها **صداقت** است. در مورد صداقت، هم آیه قرآن داریم و هم حدیث داریم «**إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّادِقِينَ**» این صداقت، آنقدر مهم است که می‌گویند فردی از پیغمبر پرسید که یا رسول الله ممکن است در امت شما کسی باشد که مشروب بخورد؟ گفت: بله. ممکن است سارق باشد؟ گفت: بله. ممکن است زناکار باشد؟ گفت: بله. ممکن است دروغگو باشد؟ گفت: نه. دروغگو از امت من نیست. آیا ما، الان آن را رعایت می‌کنیم؟ یعنی آیا دروغگویی در فرهنگ خودمان نیست؟ جامعه غیر راستگو که نمی‌تواند منتظر فرج باشد.

واقعیت قضیه، اکثر کشورهای را که می‌بینید، در زمینه کلان‌نگری از ما جلوترند و در کار گروهی از ما جلوترند در مقوله ایثار، ما در زمان جنگ ایثار داشتیم، ولی الان در بحث رانندگی، می‌گوییم که مبادا او از ما جلوتر بزند. حالا من نمی‌خواهم به اخلاقیات پردازم. فقط می‌خواستم جایگاه آن را بگویم. نداشتن سوء ظن

و حسادت، از جمله مقوله‌های دیگر اخلاقی است. ولی در خارج، رقابت وجود دارد. در جامعه ما خیلی حسادت وجود دارد.

اما گل سرسبد این‌ها **عدل** است. میوه این درخت طیبه، **اخلاقیات** است، که در رأس آن **عدل** وجود دارد. ما می‌گوییم امام زمان (عج) می‌آید برای اجرای عدالت، قرآن هم می‌گوید که پیغمبران آمدند، در آیه ۲۵ سوره حدید «**لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ**» و آیه ۹۰ سوره نحل «**إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ**». منجی عالم بشریت می‌آید که عدل را همه گیر کند. می‌گویند زمان حضرت مهدی آنقدر عدل وسیع می‌شود که همین طور که هوا وارد می‌شود، عدل هم وارد می‌شود.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «**الْعَدْلُ حَيَاةُ الْأَحْكَامِ**». عدل اگر باشد، باعث زنده نگه داشتن احکام است. درختی که میوه ندارد، بعد از مدتی، آن درخت را می‌کنند و می‌سوزانند. اگر می‌خواهند جامعه دیندار باشد، باید عدل باشد. اگر عدل باشد، درست می‌شود. یک چیز جالب این‌که، حضرت علی (ع) از پیغمبر نقل کرده: «**جامعه‌ای که در آن حق داران فاقد قدرت نتوانند حق**

خود را با کمال قدرت از زورمندان بگیرند، هیچ گاه آن جامعه دارای ارزش نخواهد بود.» یعنی ما که دم از ارزش‌ها می‌زنیم، اگر می‌خواهیم ارزش‌ها بمانند، باید برویم به دنبال عدل، تا همه، به خصوص کسی که ضعیف است، بتواند حقش را بگیرد.

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُوا إِذَا عَدَلَ» اگر عدل بین مردم رعایت شود، جامعه غنی می‌شود.

به عبارت دیگر، فقر یعنی بی‌عدالتی؛ و عدل یعنی هر چیزی را بر سر جای خودش قرار بدهیم و هر کس کار خودش را انجام دهد. این یعنی شیوه اخلاقی. در مجموع باید عرض کنم که متأسفانه برخلاف انتظار و با کمال تأسف در این محور، بیشتر از جاهای دیگر مشکل داریم و برداشت خود بنده این است که ما در صورتی می‌توانیم منتظران ظهور حضرت مهدی (عج) باشیم که دانش کلان‌نگری و جهان‌بینی را بالا ببریم. کارگروهی و فعالیت جمعی را در بینش خود افزایش دهیم و در رفتارهایمان اخلاقیات را اعمال کنیم و گل سرسبد همه اخلاقیات هم حرکت و توجه به

سمت عدالت است. اگر این گونه عمل کردیم، مطمئناً ما هم می توانیم مدعی باشیم جزء کسانی هستیم که انتظار فرج را داریم.

آخرین آیه‌ای که بنده در این جا به آن اشاره می‌کنم، آیه ۱۸۹ سوره بقره است:

«وَلَيْسَ الْبِرَّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَ آتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا»

یعنی نیکو و نیکوکاری، این نیست که ما از درب پشت خانه وارد شویم؛ نیکو و نیکوکاری این است که ما تقوای الهی را رعایت کنیم و برای ورود به هر جایگاهی از درب آن وارد شویم. ما وقتی می‌خواهیم وارد دانشگاه شویم، راهش این است که درس بخوانیم و در کنکور شرکت کنیم؛ راه دیگری ندارد. جاهای دیگر هم همین است.

راه رسیدن به حکومت جامع واحد و همزیستی در کنار حضرت ولی عصر (عج) این است که ما حداقل این مطالب را رعایت کنیم. یعنی همسو با انتظار فرج در شناخت خود، کلان‌نگری و جهان‌نگری را ارتقا داده و در نگرش و ایمان خود به موضوع کار جمعی، اهمیت دهیم و

سرانجام در رفتارهای خود به مقوله اخلاقیات توجه ویژه
قابل شویم.

باتشکر از توجه شما و به امید آنکه ما جزء گروه
منتظران فرج قرارگیریم.

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته